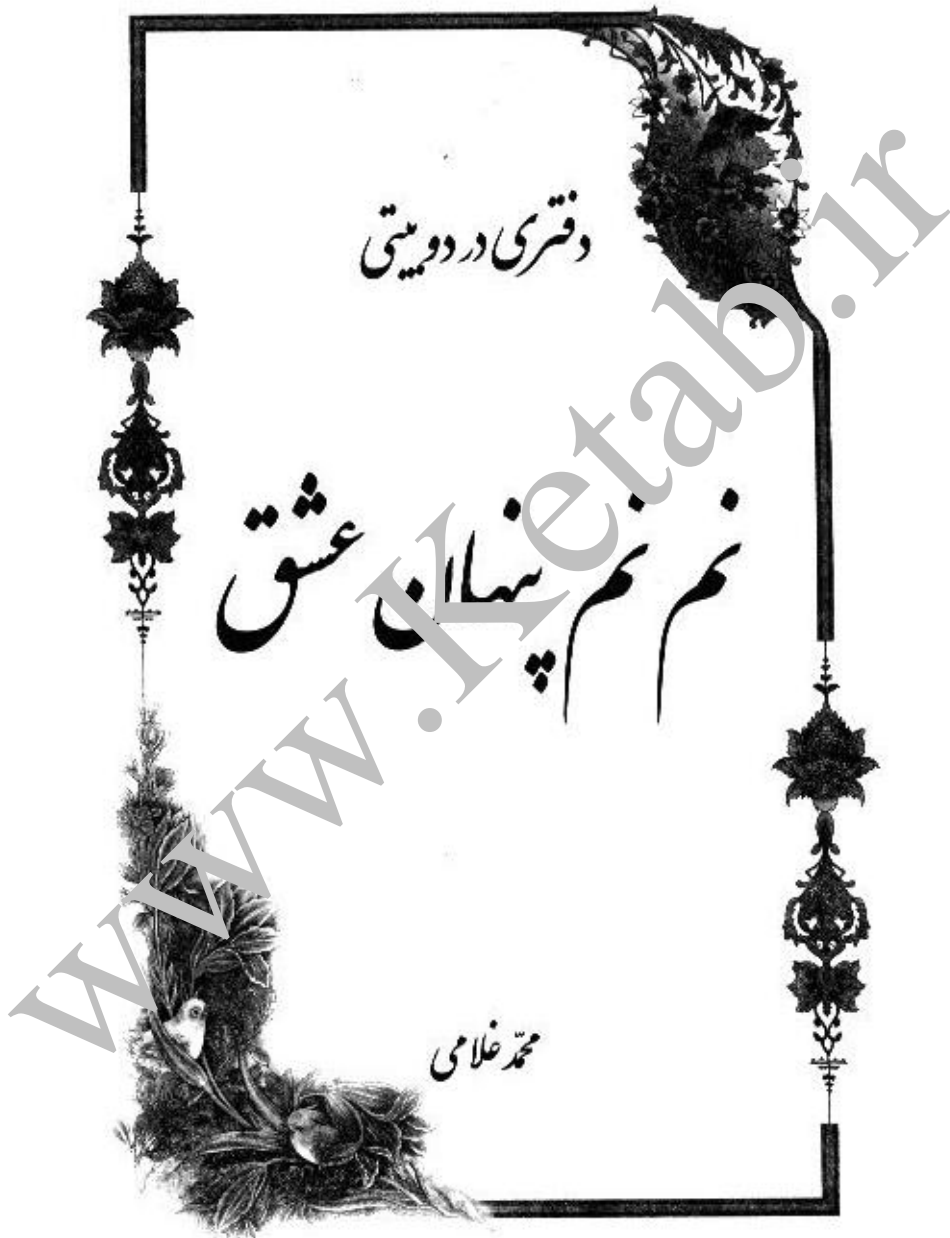


دفتری در دویستی

خم نم پستان عشق

محمد غلامی





## فهرست

- ۶۶ صفاي نازِ چشمان تو زيبا ..... ۴۰ درختِ قامتت طوبي سرشت است.....
- ۱۰۴ بواي عشق در جان تو پيدا ..... ۷۱ قضاي سینه ام سنگين و سرد است ....
- ۸۳ لبَت مي خراشد شعشعيري را ..... ۸۴ مپنداري مرا صبر و قرار است .....
- ۵۲ ز فايز ديدم ام از خونگري ..... ۵۲ ز دردِ عشق جانم بي قرار است.....
- ۵۴ سحر از عطري گيسته ..... ۱۱ بکش خنجر که جانم بي قرار است ....
- ۱۸ به ظاهر دور از دلدار ..... ۱۰۴ هواي زندگي ناسازگار است .....
- ۷۱ کنار ساحلِ تنه‌اي دريا ..... ۸۶ مرا رنگ خزاني در بهار است .....
- ۵ رُخس گلبرگ و قامت نخل بي تاب ..... ۳۲ سمالت جلوه اي از باغ نور است.....
- ۴۴ دلم پيوسته خونين است و بي تاب ..... ۸۳ بت آب و اندامت ز شير است .....
- ۱۰ تو خورشیدی و من با ذره بي تاب ..... ۶۵ بي ابروانت بي نظير است .....
- ۹۰ نسيم عنبر فشان برخاست از خواب ..... ۴۷ دلم در سینه ي بي تاب ، تنگ است ....
- ۹۸ نه پيغام آمد از جانانه امشب..... ۹۸ نه پيغام آمد از جانانه امشب.....
- ۴۹ دلي ويرانه را دادم به دستت ..... ۴۹ دلي ويرانه را دادم به دستت .....
- ۱۰ از آن روزي که گل دادم به دستت ..... ۱۰ از آن روزي که گل دادم به دستت .....
- ۹۱ نشستم رو به روی چشم مستت ..... ۹۱ نشستم رو به روی چشم مستت .....
- ۱۲ بلا مي بارد از لب های مستت ..... ۱۲ بلا مي بارد از لب های مستت .....
- ۶۸ غروبي ديده ام سيلاب مي ريخت ..... ۶۸ غروبي ديده ام سيلاب مي ريخت .....
- ۱۴ بهاران بر لبانت بوسه مي ريخت..... ۱۴ بهاران بر لبانت بوسه مي ريخت.....
- ۴۶ دلم خواهد بهار نوشخندت ..... ۴۶ دلم خواهد بهار نوشخندت .....
- ۲۳ بيا اي بيد جانم بي قرارت..... ۲۳ بيا اي بيد جانم بي قرارت.....
- ۸۹ نسيم آمد ز گلزارِ بهارت ..... ۸۹ نسيم آمد ز گلزارِ بهارت .....
- ۷۰ فدای روی شیرین بهارت..... ۷۰ فدای روی شیرین بهارت.....
- ۲۲ به وقت دیدن روی بهارت..... ۲۲ به وقت دیدن روی بهارت.....
- ۳۸ چنان مهر توام در جگر و جانم ..... ۳۸ چنان مهر توام در جگر و جانم .....
- ۷۶ کسی که یار با او همین است ..... ۷۶ کسی که یار با او همین است .....
- ۳۴ جوانی کوچه باغی بود بن بست ..... ۳۴ جوانی کوچه باغی بود بن بست .....
- ۶۴ فدای مهربانی هات ای دوست ..... ۶۴ فدای مهربانی هات ای دوست .....
- ۴۴ صدايت موج دريا دارد ای دوست ..... ۴۴ صدايت موج دريا دارد ای دوست .....
- ۴۴ دلم از دوريت پُر درد ای دوست ..... ۴۴ دلم از دوريت پُر درد ای دوست .....
- ۱۹ به زیبایی قدم بردار ای دوست ..... ۱۹ به زیبایی قدم بردار ای دوست .....
- ۱۰ پنا از غم شوم بیمار ای دوست ..... ۱۰ پنا از غم شوم بیمار ای دوست .....
- ۱۳ بلنديت زلال نور ای دوست ..... ۱۳ بلنديت زلال نور ای دوست .....

## نم‌نم پنهان عشق

- ۱۲ ..... بگو تا از دهانت گل بریزد .....  
 ۸۵ ..... مرا تا بر گلِ رویش نظر شد .....  
 ۸۴ ..... محبت تا به جانم هم نشین شد .....  
 ۹۵ ..... نمک نشناس ها با من نشستند .....  
 ۶۷ ..... طلوع بامدادان با صفا بود .....  
 ۳۵ ..... جهان ای کاش روزی مهربان بود .....  
 ۹۰ ..... نسیمی صبحدم در آب رقصید .....  
 ۷۳ ..... قند جوی زلال مهر و امید .....  
 ۳۲ ..... تو هر جا پا گذاری جان بروید .....  
 ۴۸ ..... دل و جان مرا بردی به یکبار .....  
 ۷۹ ..... که می چپند رطب بی سوزش خار .....  
 ۱۵ ..... بهار سبزه ی ابروی دلدار .....  
 ۲۹ ..... تو سرتا پا گلی من بلبل زار .....  
 ۶۹ ..... غم سنگین درد دوری از یار .....  
 ۷۴ ..... لب نخل جوان سبز نو بر .....  
 ۵۳ ..... زمین و آسمان گللبز خوش تر .....  
 ۴۱ ..... دریغا بسه آمد دفتر عمر .....  
 ۶۲ ..... شدم مناسبتین محروم از نور .....  
 ۱۰۰ ..... نه در فریاد باطل ماندم تاثیر .....  
 ۹۹ ..... نه چشمم می شود از دیدت سیر .....  
 ۶۹ ..... غمی قلب مرا خورنی ای خند یاز .....  
 ۹۳ ..... نکردم گاهی از مهر تو سیر .....  
 ۴۲ ..... دلا شادی کنان از غم بهره یز .....  
 ۶۵ ..... صفای چشمه ی آب روان باش .....  
 ۱۰۲ ..... همیشه با دلم شیرین سخن باش .....  
 ۶۳ ..... شرار غنچه ی زیبای من باش .....  
 ۱۴ ..... بهاران خوش ، هوا خوش ، آسمان خوش .....  
 ۲۲ ..... به ناز و دلبری می آمدی دوش .....  
 ۱۰۱ ..... نه یادت می شود از دل فراموش .....  
 ۹۶ ..... نمی دانم مگر جانی تو ای دوست .....  
 ۱۰۱ ..... نه نخلی مثل اندام تو نیکوست .....  
 ۳۵ ..... جهان بگذشت و ایام صفا رفت .....  
 ۴۱ ..... دریغا از برم آرام جان رفت .....  
 ۷۵ ..... قسم بر موی شیرنگ و شلال .....  
 ۶۰ ..... قسم آشفته ی موی شلال .....  
 ۷۴ ..... قسم بر آفتاب بی زوال .....  
 ۴۳ ..... دن از دیری پر از غم تا قیامت .....  
 ۵۶ ..... شب تاریک و مه ابروانت .....  
 ۷۷ ..... کفی از سبزه دانه بر آفت .....  
 ۹۲ ..... نشستم سال ها بر خاک راهت .....  
 ۲۱ ..... به غیر از این نمی بینم راهت .....  
 ۷۰ ..... فدای خنده های دلربایت .....  
 ۲۱ ..... به گوشم مانده آهنگ صدایت .....  
 ..... دلم روزی که امضا شد برایت .....  
 ۴۷ ..... دلم دیوانه ی مهتاب رویت .....  
 ۳۶ ..... جهان سرمست از گلبرگ رویت .....  
 ۵۵ ..... سحرگه بلبلان در گفتگویت .....  
 ۳۹ ..... خوشا شادابی زیبای مویت .....  
 ۱۰۳ ..... همیشه روی ماهت در برم باد .....  
 ۴۹ ..... دو چشمانم تنت را بوسه می داد .....  
 ۸۸ ..... نبودم در بساط زندگی شاد .....  
 ۲۴ ..... پر از برگی پر از باغی پر از یاد .....  
 ۸۹ ..... ندارم هیچگاهی اینچنین یاد .....  
 ۶۸ ..... غروبی تنگ مجنون گریه می کرد .....  
 ۱۵ ..... بهارم بی گل خورشید پژمرد .....  
 ۳۷ ..... چنانم جان و تن آتش بگیرد .....  
 ۳۷ ..... چنان شوقم به جان و تن بگیرد .....  
 ۲۵ ..... تنم از ناله سرتاسر بسوزد .....

- ۴۲ ..... دریغا ماه رخساری پری وش  
 ۳۹ ..... چه شیرین می شود هر دم غم عشق ...  
 ۲۶ ..... تو بر کردی به جانم آتشی پاک  
 ۳۱ ..... تو مثل باغ و هر جای تو پر گل  
 ۷۵ ..... قلم چش هایت آفتابم  
 ۸۲ ..... گهی در حلقه ی توفان آم  
 ۷۷ ..... کز چشمه ساران ایستادم  
 ۶۱ ..... شدم باد و زور ز فتن  
 ۵۹ ..... شیئی تا صدم بر سر بودم  
 ۵۶ ..... سراندریا به فرس تو بدم  
 ۵۹ ..... شبی روی تو را در عذاب بدم  
 ۱۰۰ ..... نه گل زیبا تر از روی تو دیدم  
 ۲۹ ..... گل باغ صفا را دوست دارم  
 ۱۲ ..... بلور گردنت را دوست دارم  
 ۱۸ ..... به راه دوست در کف تیشه دارم  
 ۶۵ ..... نمانده طاقت و صبر و قرارم  
 ۲۷ ..... تو بودی پرده ی سبز بهارم  
 ۵۰ ..... دوچشمیت معیدِ راز و نیازم  
 ۲۳ ..... بیا تا گیسوانت را ببوسم  
 ۴۶ ..... دلم خواهد که پایت را ببوسم  
 ۹۴ ..... نگفتم چشم زیبایت ببوسم  
 ۴۰ ..... خوشا حلوائ نامت برزبانم  
 ۹۶ ..... نمی بینم کسی جز دلستانم  
 ۹۷ ..... نه آمد در یرم آرام جانم  
 ۷۲ ..... فکنده عشق آتش ها به جانم  
 ۹۷ ..... نهادم در کفم مردانه جانم  
 ۸۰ ..... گل بی منت باران بچینم  
 ۳۸ ..... چه باک از عقل و پروایی ز دینم  
 ۶۱ ..... شدم از لطف دیدار تو محروم
- ۸۱ ..... گل روی بهارت آرزویم  
 ۷۲ ..... قدت جان صورتت جان ابروان جان ...  
 ۵۵ ..... سحر با نغمه های جویباران  
 ۳۳ ..... جمالت رنگ در رنگ بهاران  
 ۸۶ ..... من و از چشم هایش تیر خوردن  
 ۶۳ ..... شرار و شور عشقم بیشتر کن  
 ۲۴ ..... بیا فایز سرود عشق سر کن  
 ۷۶ ..... قشنگ و سمه ی ابروت با من  
 ۳۶ ..... چراغ روشن کنعانی من  
 ۶۰ ..... شبیه گل سراندر پات شیرین  
 ۹۱ ..... نشستم انتظار یار شیرین  
 ۱۹ ..... به روی قامت زیبای سیمین  
 ۶۷ ..... طالع صبح ، عاج گردن تو  
 ۸۸ ..... ما ان تا نینان دلبری تو  
 ۱۶ ..... بر سر سپردن دریا همدمی تو  
 ۵۴ ..... سر آینه ی پیشانی تو  
 ۳۵ ..... زلال ماهتابی در گذرگاه  
 ۵۷ ..... شب مهتابی و آه غم دلخواه  
 ۱۱ ..... بزن بر چهره ی زیبای تو  
 ۷۸ ..... کویر خشک دهن را روح آب  
 ۸۲ ..... لیانت بود یا جام شراب  
 ۵۳ ..... زلال لحظه های شعر تابنی  
 ۹۹ ..... نه در بیداری اش دیدم نه خوابی  
 ۹۸ ..... نه بر شام شدی نور شهابی  
 ..... شیئی از کوچه ی ما بار بستی  
 ۵۱ ..... رخت دیباچه ی زیبا پرستی  
 ۸۵ ..... مرا از خود جدا کردی و رفتی  
 ۸۷ ..... میان شاخسارم لانه کردی  
 ۶۴ ..... شکوه جلوه ی مهتاب بودی

- ۳۴ ..... جنوب و جلوه ی نابش تو بودی ..... ۳۴
- شب و تصویر گل در آب جاری ..... ۵۷
- وجودم آتشی در آب جاری ..... ۱۰۲
- شراب ارغوان و نور داری ..... ۶۲
- به سیرت جان گل ها را قرار می ..... ۲۰
- جان بی قراران را قرار می ..... ۲۷
- قدت فواره ی امیدواری ..... ۷۳
- س صبر برگ چو شکوفه بهاری ..... ۸۱
- تو مثل آفتاب سرق دمی ..... ۳۰
- به حجب و مهربانی بی نظیری ..... ۱۷
- نگفتم مثل ماه در روزی ..... ۹۴
- تو مثل لاله ی خوشترانه باغی ..... ۳۱
- تو مثل آفتابی ، جان عشقی ..... ۳۰
- تو خورشید بلند بی زوالی ..... ۲۸
- نگارینا تو نخل نقره قامی ..... ۹۳
- تو برگ چشمه های مهربانی ..... ۲۶
- صفای رنگ رنگ آسمانی ..... ۶۶
- به زیبایی قسم ، تا می توانی ..... ۲۰
- به پیری باز می گردد جوانی ..... ۱۶
- دو دست آیشان جوانی ..... ۵۰
- شیب یا خضر می رفتم نهانی ..... ۵۸
- تو دایم با خیالم همنشینی ..... ۲۹
- نشستم همنشین با خاک راهی ..... ۹۲
- گل خوشبوی خوش رنگم کجایی ..... ۸۰
- دریغ نیست دنیا را صفایی ..... ۴۲
- دلجم جز غم ندارد آشنایی ..... ۴۵
- هنوز از عشق دارم روشنایی ..... ۱۰۳
- جدالت شرق مهر و روشنایی ..... ۳۳

غرض نقشی ست کز ما باز ماند      که هستی را نمی بینم بقای / سعدی

شاید کمتر شاعر جنوبی را سراغ داشته باشیم که دوبیتی نگفته باشد. این شاید همان علت است که کمتر کسی را در جنوب سراغ داریم که شروه در جاننش هیجانی برپا نکند. من اما دوبیتی را تا منظم و تفتنی سروده ام و بیشتر اوقات عواملی باعث شده تا به مرور شخصی خاص در برشی از عمر در جانم برویند. تاریخ سرودن دوبیتی هم نشان می دهد که گاه مدت های زیادی وقفه در میان بوده تا به مناسبتی شعری دیگر زاده شده است. دوبیتی های من محصول یک نگاه، یک خاطره، یک تفکر، یک لحظه ی سرانجام یک حادثه اند. لحظه های شیرین و تلخی که روحم را درگیر می کند و دوبیتی می تراود اما همین نوع شعر، بیش از هر قالبی دیگر در دفترهایم پراکنده و غریب مانده است. گاه شبی با دیرگاهان ده ها دوبیتی به صورت بداهه آمده که همه از بین رفته اند. در این سبک با لحظه های عاشقانه ای هستند که بی هیچ زحمتی می آیند و بی هیچ تشریفاتی بر گوشی تلفن همراه نقش می بندند و به همان راحتی اثری از آنان نمی ماند. پیشتر به مجال پیشین داشتم، بخش هایی از آن را در دفتری نوشته و تعدادی را تایپ کرده بودم و هنوز بخشی از آنان لابلای کتابها و دفترهایم فراموش مانده اند. آنچه در این مجموعه آمده، گزیده ای از ترانه های موجود از ابتدا تا امروز است و در ویرایشی که انجام گرفت، بعضی از زبان به سمت سادگی بیشتری بروند چرا که دوبیتی را به سادگی عشق دوست دارم.